

## امت وسط؛ بخش اول

حجت الاسلام محمد تقی رهبر

وَكذلك جعلناكم أمة وسطا، لتكونوا شهداء على الناس، ويكون الرسول عليكم شهيدا (بقره/143)

از برای امت اسلام در قرآن کریم، خصلتها و ویژگیهای، بیان شده است که هر یک در خور تحقیق و تعمق و تأمل بوده و میتواند راهگشای این امت بزرگ جهت تحکیم و تثبیت ارزشهای خویش و عامل آگاهی بخش برای دیگر امتهای باشد.

یکی از ویژگیهای امت گرانقدر اسلام، «امت وسط» بودن است، «وَكذلك جعلناكم أمة وسطا» و در نتیجه شاهد بودنت؛ «لتكونوا شهداء على الناس».

از این دو خصلت بسیار مهم نمی توان به سادگی گذشت و بلکه لازم است در این زمینه مسائلی چند مورد توجه قرار گیرد:

1- مفهوم امت چیست؟

2- امت وسط به چه معنی است؟

3- مفهوم شهادت امت چیست؟

4- ویژگیهای «امت وسط و شاهد» چه چیزهایی هستند؟

5- امت اسلامی، امروز در واقعیت و عمل چگونه است؟ آیا مصداق امت وسط می باشد یا نه؟

6- و اگر نیست برای داشتن چنین امتیازی چه باید بکنند؟

از این قبیل سوالات در این زمینه می توان مطرح کرد...

امت یعنی چه؟

قبل از هر چیز مفهوم امت را می نگریم:

ریشه لغوی امت «أم» بتشدید میم است، و کلمه امت از «أم» اشتقاق یافته .

«أم» بمعنای قصد کردن آمده است. «امَّ-یَؤُمُّمٌ-امَّالاً» «ه - قصده». و بمعنی امامت و رهبری نیز آمده است. یعنی کسی را به رهبری گرفتن. «أمت الرجل امامه» و یا امامت کردن و رهبری نمودن «ام یؤم اما و اماما». «القوم» و «بالقوم»: تقدمهم وکان لهم إماما. «ائتم به: إقتدی». این است مفهوم لغوی و مصدری کلمه. و اما مفهوم امت. در لغت چنین آمده: «الأمة» الجماعة. الجيل من الناس. الوطن. الحین. القامة. امت بمعنای، گروه یا مردم یک عصر، و یا یک قرن، و وطن، و زمان، و راستای یک چیز است.

با توجه به ریشه لغوی، که معنی قصد کردن بود، می توان استنباط کرد که، امت آن گروهی است که مقصد واحدی را تعقیب کند، و دارای یک آرمان مشترک و هدف واحد باشد.

بدیهی است یک امت الهی با یک امت غیر الهی تفاوت بسیار دارند. امت غیر الهی مقصدشان وایده و آرمانشان پاره ای مسائل مشترک اجتماعی از قبیل: آب و خاک، ملیت، و زمان و امثال اینها بوده، و مبادی اعتقادی را در چنین امت پایگاهی نیست. و نظر به اینکه پایگاه های غیر الهی دیر پا نبوده، و در معرض فنا و زوال اند، نمی توان به ثبات و استقامت چنان امتی اطمینان کرد، زیرا تکیه گاه وحدت و اشتراکشان مسائل بی ثبات مادی میباشد.

اما در یک جامعه الهی که هدف و آرمان و ارزشها و اصالت ها را اصول ثابت عالم هستی مشخص میکند، و خدا به عنوان مبداء ثابت و لایزال جهان هستی، محور است. تنها امتی که می تواند بمعنی واقعی و برای

همیشه، و دور از تأثیر زمان و مکان، واحد، ثابت، واستوار باشد، امتی است که با اعتقاد به خداوند، و ارزش‌هایی که او تعیین می‌کند، قوام گرفته و افراد آن از فردیت به درآمده، و به دریای بی‌کران هستی پیوسته‌اند.

قرآن کریم باین حقیقت، با کمال صراحت گو یا است. «وان هذه امتکم أمة واحدة، وانا ربکم فاعبدون» (سوره انبیاء/92) اینست امت واحد شما، و منم پروردگارتان، پس مرا پرستش کنید.

در این آیه کریمه، بر چند نکته اساسی تأکید دارد، نکاتی که ارکان امت الهی را تشکیل می‌دهند:

1- توحید خدا، و اعتقاد به ربوبیت و تدبیر او نسبت به بندگان.

2- پرستش خدا و سرتسلیم بدو فرود آوردن.

3- در نتیجه امت واقعی شدن، که در اصل اول و دوم، «ربوبیت خداوند و عبودیت بندگان» دو رکن واستوانه اصلی و تشکیل آرمان مشترک یک امت، می‌باشند.

هرگاه جامعه‌ای به خدا معتقد بود، و اقطاب شرک را شکست، و تنها مدبر و صاحب اختیار خویش را خدا دید، و نه هیچ قدرت دیگر، و سرتسلیم در برابر او فرود آورد، نه هیچ فرمان‌روای غیر قانونی دیگر، و راه و سرتسلیم در برابر او فرود آورد، نه هیچ فرمان‌روای غیر قانونی دیگر، و راه او را برگزید، و بسوی او شتافت، و دیوارهای فردیت را که زاده و حاصل شرک‌اند، از میان برداشت، در چنین حالتی است که امت بوجود می‌آید. امتی که امامش حق است، مسیرش حق است، و هدفش حق، و او است که حق امامت برای دیگر مردم را دارد.

معنی و مفهوم «وسط»:

از برای این واژه در لغت چند معنی ذکر شده است:

1- بمعنای معتدل، و دور از حد افراط و تفریط.

2- وسط و میانه یک چیز، مثل وسط خانه، وسط جاده، و...

بنابراین در کلمه وسط، اعتدال، میانه روی، و شرافت و شخصیت مندرج است. و هیچ قرینه ای وجود ندارد که در آیه کریمه «امة وسطا» یک معنی خاصی مورد نظر باشد. همه معانی یاد شده قابل جمع اند و هر یکی مکمل یکدیگر. لذا می توان گفت: امت اسلامی از آنجا که امتی است سرآمد امتهای و برترین آنها، و دین و آئین او کاملترین ادیان، در وسط جاده و شاهراهی می رود که دیگر مردم باید از او تبعیت نمایند، و به دنبال وی حرکت کنند، از آنجا که دستورات و تعالیم این دین دور از حد افراط و تفریط و جامع بین مادیت و معنویت است، لذا آنها که در مادیت غوطه ورنند، و یا در معنویات فقط سیر می کنند، اعتدال و جمع بین مادیت و معنویت را، باید از پیروان این آئین فرا گیرند.

و درحقیقت این امت باید معیار و میزان برای دیگر امتهای باشد، همانطور که معیار این امت، اسلام و سیره رسول ﷺ است.

راغب در «المفردات» چنین می آورد، «والوسط تارة يقال فيما له طرفان مذمومان يقال هذا اوسطهم حسباً اذا كان في قوم واسطة قومه وارفعهم محط، و كالجود الذي هو بين البخل والاسراف فيستعمل استعمال المصون عن الافراط والتفریط، فيمدح به، نحوالسواء والعدل والنصفة، نحو: «وكذلك جعلناكم امة وسطا».

صاحب مجمع البیان چنین گوید: «الوسط: العدل وقيل: الخير و معناهما واحد، لان العدل خير و الخير عدل. و قيل أخذ من المكان الذي يعدل المسافة منه الى اطرافه. وقيل بل أخذ من التوسط بين المقصر والغالى، فالحق معه... قال صاحب العين: الوسط من كل شيء اعدله وافضله».

در تفسیر فی ظلال القرآن چنین آمده: «انها الأمة الوسط التي تشهد على الناس جميعا فتقيم بينهم العدل و القسط، وتضع لهم الموازين، وتبدي فيهم رأيا فيكون هوالرأى المعتمد وتزن قيمتهم وتصوراتهم وتقاليدهم و شعاراتهم فتفصل في امرها...»

حاصل آنکه: امت اسلام را امت وسط می گویند، زیرا او است که بر همه مردم گواه و شاهد است. بدان گونه که عدل و قسط را بر پا میدارد، و میزانها و معیارها را مشخص میکند، و رأی و نظر صحیح را که باید دیگران بپذیرند، می دهد، ارزشها و افکار و تقلیدها و شعارهای دیگر مردم را سنجیده و نظر نهائی را می دهد. و در یک سخن این امت در حق و باطل، معیار و میزان است برای دیگر امتهای، امتی است مستقل و پیشرو، نه مقلد دیگران، و دنباله رو، و نیز گواه صدق بر مردم بوده و بحق حکم

مینماید. و این ویژگی تصادفی نبوده، بلکه در رابطه با پذیرش و عمل به دین و شریعتی است که خداوند آنرا معیار حق و باطل قرار داده، و پیرو کتابی که (فرقان) است، یعنی جدا کننده حق و باطل و در شعاع شهادت پیامبر و حضور او در امت.

فیلسوف و مفسر کبیر، علامه طباطبائی، پس از نقل آنچه مفسرین در بیان آیه گفته اند که نمونه از آن را آوردیم، ضمن بحث مبسوط و تحقیق بر اساس آیات قرآنی، تفسیر دیگری برای وسط آورده، و آنرا متناسب تر با مسئله شهادت در آیه مذکور، و نیز آیات دیگر باب، دانسته است:

«ای تتوسطوا بین الرسول و بین الناس، فتصلوا من جهة الیهم، و عند ذلک یتحقق مصداق دعائه (ای ابراهیم (ع) فیکم و فی الرسول، حیث قال: ربنا و ابعث فیهم رسولا منهم یتلو علیهم آیاتک و یعلمهم الکتاب و الحکمة و یزکیهم» (البقرة / ۱۲۹)

«فتکونوا امة مسلمة اودع الرسول فی قلوبکم علم الکتاب و الحکمة، و مزکین بتزکیته. و التزکیة: التطهیر من قذارات القلوب و تخلیصها للعبودية، و هو معنی الاسلام کما مر بیانہ، فتکونوا مسلمین خالصین فی عبودیتکم و للرسول فی ذلک القدم الأول و الهدایة و التزکیة، فله التقدم علی الجمیع و لکم التوسط بالحقوق به فی جانب و بالناس فی جانب آخر» (از تفسیر میزان)

حاصل معنی اینست که: «واسطه بودن امت اسلام یعنی: میان پیامبر و دیگر مردم واسطه باشد. از یکسو به پیامبر و از سوی دیگر به مردم مرتبط گردد. و بدینگونه دعای ابراهیم در باره این امت تحقق یابد که گفت: خدایا در میان آنان پیامبری از خودشان بفرست تا آیات تو را برایشان فرو خواند، و کتاب و حکمت پیاموزد، و پاک و پاکیزه شان کند.

بدینگونه امت اسلام، امتی است که پیامبر علم کتاب و حکمت را بدو آموخته، و با تزکیه پیامبر پاک شده، پاکی دل از آلودگی، و خالص شدن برای بندگی خدا، که معنی اسلام چنانکه گفتیم همین است، و آنگاه مؤمن و مسلمان خالص در عبودیت خداوند گردند.

در این سیر و سفر الهی، پیامبر گام نخستین را برداشته، و سپس امت به دنبال او حرکت کرده و واسطه میان پیامبر و دیگر مردم و در نتیجه الگو و اسوه و شاهد شده است.

و به عبارت دیگر پیامبر رهبر و رهنمای انسان ها است، «ولکم فی رسول ا ﷺ اسوة حسنة» و آنان که از

سر صدق و اخلاص، بدو گرویده، و در عقیده و اندیشه و عمل به راه او میروند، نزدیکترین افراد بدو بوده، و آنها برای دیگر مردم امام و اسوه، و شاهدند. واسطه اند، میان پیامبر و مردم، «وکذلک جعلناکم أمة وسطا لتکونوا شهداء علی الناس» اینها آب حیات را از سرچشمه وحی میگیرند و به دیگر تشنگان جهان میرسانند.

توضیحی در کلمه شهید و شاهد:

در کتب لغت از برای، شهود که مصدر این واژه است معانی ذکر شده:

«شهدالمجلس» حضره. «شهدالشیء»: عاینه. «اطلع علیه» یعنی: حاضر بودن. مشاهده کردن. بر چیزی اطلاع داشتند. «الشهید» الذی لا یغیب شیئ من علمه. یعنی: شهید آن کسی است که از علم او چیزی پنهان نباشد.

راغب در «المفردات» گوید: «الشهود والشهادة: الحضور مع المشاهدة، اما بالبصر او بالبصيرة». یعنی: شهود و شهادت، حضور و مشاهده است. خواه به چشم ظاهری، وی مشاهده با بصیرت باطنی. در تفسیر مجمع البیان از برای «شهداء علی الناس» چند معنی احتمال داده است:

۱- اینکه این امت شاهد اعمال خلاف حق مردم در دنیا و آخرت باشد...

۲- اینکه امت اسلام بر مردم حجت باشد، و حق و دین را برای آنان بیان کند، همانطور که پیامبر از برای آنان بیان نموده است...

۳- صالحان این امت شاهد باشند که مردمان پیشین چگونه به تکذیب پیامبران پرداختند.

و این امتیاز بدان جهت است که پیامبر گواه این امت بوده و داستان پیامبران پیشین و امم گذشته را همراه با شیوه برخوردها، در قرآن برای مردم بیان کرده است.

علامه طباطبائی، از میان اقوال و احتمالات گذشته در معنی شهادت، این نظریه را پذیرفته اند که: امت اسلام در این دنیا گواه اعمال دیگر امتهای بوده و تحمل این شهادت را می نماید، و در آخرت ادای شهادت میکند. نکته حساس و مهمی که علامه محقق بدان تاکید دارد اینست که: این شهادت و تحمل آن و ادای آن، یک شهادت معمولی و عادی نیست و فقط شامل صورت اعمال نمی باشد، بلکه شامل باطن اعمال نیز

بوده که ریشه در قلوب دارد، مانند ایمان و کفر و معتقدات و اندیشه ها که ریشه در دلها دارد. و لذا این شهادت و یژه اولیاء این امت خواهد بود نه برای همه.

بخشی از آنچه علامه طباطبائی در تفسیر المیزان آورده اند این است:

«بل هی تحمل حقایق اعمال الناس فی الدنيا فی سعادة وشفاء و رد و قبول و انقیاد و تمرد، و اداء ذلك فی الآخرة یوم ستشهد ان بکل شیء حتی باعضاء الإنسان، یوم یقول الرسول یا رب ان قومی اتخذوا هذا القرآن مهجورا . ومن المعلوم أن هذه الكرامة لیست فی متناول جمیع افراد الأمة، إذ لیست إلا كرامة خاصة للأولیاء الطاهرين منهم»..

حاصل آنکه شهادت عبارت است از تحمل حقایق اعمال مرده در دنیا، از سعادت یا شقاوت، رد یا قبول و انقیاد یا تمرد (فرمان خدا) و ادای آن در آخرت، در آن روز که خداوند از هر چیزی شهادت میطلبد حتی از اعضای انسان، آن روز که پیامبر گوید: بار الها! این قوم من بودند که این قرآن را پشت سر انداختند و بدیعی است که باین کرامت همه امت نمی رسند، زیرا این کرامتی است که ویژه اولیاء پاک خدا، از میان این امت می باشد.

در بحث روائی تفسیر المیزان، از تفسیر عیاشی در معنی آیه «لتكونوا شهداء علی الناس ویكون الرسول علیکم شهیدا» «از امام صادق (ع) چنین نقل شده است»:

«فان ظننت ان ان عنی بهذه الآیة جمیع اهل القبلة من الموحدين افتری. أن من لا تجوز شهادته فی الدنيا علی صاع من تمر یطلب ان شهادته یوم القيامة، ویقبلها منه بحضرة جمیع الأمم الماضية؟ کلا لم یعن ان مثل هذا من خلقه، یعنی: الأمة التي وجبت لها دعوة ابراهيم: «ومن ذریتنا أمة مسلمة» فهم الأمة الوسط وهم مصداق قوله تعالی «کنتم خیر امة اخرجت للناس»

اگر چنین پنداری که خدا از این آیه تمام موحدان اهل قبله را اراده نموده، تهمت و افترا است، کسی که گواهی اش در یک صاع (کیل) خرما پذیرفته نیست، چگونه در روز قیامت خداوند از او گواهی خواهد و گواهی اش را در محضر تمام امتهای گذشته قبول کند؟ نه هرگز! چنین چیزی را خدا اراده نکرده است. بلکه خداوند آن امتی را اراده کرده است که دعای ابراهیم خلیل در حق آن مستجاب گشته (ومن ذریتنا أمة مسلمة لک) (آنگاه که گفت خدایا! از فرزندان ما امت مسلمه ای پدید آور).

و نیز آن امتی که مصداق این آیه است: «کنتم خیر امة اخرجت للناس» و امتی که در صراط مستقیم و میان شاهراه حق قرار دارد، اینها ایند امتی که برای مصلحت بشریت، پدید آمده اند.

منبع: کتاب مقالات نخستین کنفرانس اندیشه اسلامی، صص 79-86 به نقل از مجله الکترونیکی اخوت